

## فهرست مطالب (Table of Contents)

- ۷ ..... سابقه ای مختصر از مبتکر و خالق مجموعه گام های بنیادین و نکاتی در خصوص زبان آموزی
- ۸ ..... مخاطبان مجموعه گام های بنیادین زبان عمومی و تخصصی حقوق
- ۹ ..... **بخش اول** - چرایی و چگونگی یادگیری مفهومی و بنیادین زبان عمومی و تخصصی حقوق؛ ضرورت ها و نیازمندی ها؛ اصول صحیح یادداشت برداری و تمرین نوشتاری؛ حفظ متون انگلیسی و ضرورت آن با بررسی نمونه های عینی از تمارین بنیادآموزان؛ مطالعه تطبیقی وقف با Trust در حقوق انگلستان؛ آیا وقف همان Trust است؟! اصلاح رویکرد نادرست در معادل سازی واژگان تخصصی حقوق؛ تحلیل فیلم انگلیسی در خصوص Trust؛ تمارین
- ۴۰ ..... **بخش دوم** - تاکید بر ساختار درست و تلفظ صحیح واژگان، تفاوت تلفظ (Pronunciation) با لهجه (Accent)، آموزش فونوتیک (phonetic) و ملاحظه دو نمونه سخنرانی از سفیر انگلستان و وزیر امور خارجه ایران؛ تحلیلی بر معیارهای Subjective و Objective در انعقاد قرارداد و گریز به سرعت در صحبت کردن در چهار حالت مختلف؛ تفاوت های جدی انگلیسی بریتیش با امریکن در زمینه نوشتن، قواعد، تلفظ، جعل الفاظ؛ بررسی واژگان حقوقی با نظر به تفاوت تلفظ ها و تاکید بر انتخاب یک سیستم واحد؛ بررسی پرونده انگلیسی OT Africa [1996] Line Ltd v. Vickers Plc در مورد اراده ظاهری و اراده باطنی و نحوه خواندن مشخصات پرونده های انگلیسی و دسترسی به آنها؛ تفاوت های عمده Solicitor و Barrister در جامعه و کالت انگلستان؛ تمارین
- ۵۸ ..... **بخش سوم** - باز معرفی اراده ظاهری (Objective Test) و اراده باطنی (Subjective Test) در حقوق قراردادهای انگلستان با بررسی پرونده [1994] Moran v. University College Salford (No. 2) ناظر بر اختلاف بین دانشگاه و متقاضی در پذیرش با Unconditional Offer؛ انواع ضمایر در ساختار زبان انگلیسی و ورودی بر ضمایر فاعلی (Subjective Pronoun) در متون تخصصی حقوق؛ تمرین واژگان با تاکید بر دقت بر واژگان مشابه (Adopt, Adapt) و معانی مختلف Capital و کاربرد آن در حقوق؛ تحلیل فیلم در رابطه با مفهوم و نحوه اعمال معیار شخص متعارف (Reasonable Person) در دعاوی؛ تمارین
- ۷۰ ..... **بخش چهارم** - حروف Vowel و Consonant و تاثیر آنها در حروف تعریف Definite و Indefinite؛ Wowel و Consonant و حروف تعریف در متون حقوقی با مقدمه عناصر اصلی تشکیل قرارداد؛ اسامی Countable و Uncountable با مثال های حقوقی؛ تفاوت Person با People و کاربرد در اشخاص حقوقی و حقوقی به همراه تفاوت های Person و Individual؛ عناصر شش گانه تشکیل قرارداد و تفاوت Contract با Agreement؛ تحلیل فیلم راجع به اهمیت Mutual Promise و Serious Intention در انعقاد قرارداد معتبر از نظر حقوق؛ تمارین
- ۸۱ ..... **بخش پنجم** - ضمایر مفعولی (Objective Pronouns) و متون حقوقی؛ تقسیم بندی افعال به Regular و Irregular و طریق ساخت Past Participle و Past Participle با مثال های حقوقی؛ توضیح عناصر شش گانه تشکیل قرارداد با گریز به Gratuitous Contract؛ تحلیلی بر عوض قراردادی (Consideration) و مفردات متن حقوقی؛ مطالعه متن حقوقی ناظر بر Consideration و تاکیدی بر برخی واژگان مشابه و کاربرد؛ تحلیل فیلم ناظر بر Consideration؛ تمارین

## ادامه فهرست مطالب (Table of Contents)

بخش نهم - ضمایر و صفات Possessive و نقدی بر ترجمه Alimony و Dower در بحث نفقه و مهریه در ادبیات حقوقی؛ مروری بر ساختار Collocation و شروع مواردی رایج از موارد رایج از Legal Collocations تا Commit Suicide؛ Matrimonial Relation؛ مروری بر تعریف جرم (Crime) در حقوق جزای انگلستان و عناصر متشکله آن (Actus Reus - Mens Rea)؛ تحلیل فیلم درباره مفهوم Crime و دشواری های تعریف آن بدون A Universally Agreed Definition؛ تمارین..... ۹۶	بخش هفتم - قواعد حاکم بر Reflexive and Emphasizing Pronouns با مثال های حقوقی؛ ادامه تعریف جرم و معانی واژگان بر کاربرد Process, Triable, Retry, Prosecuting Attorney, Proceeding, Precede, Preceding Legal Precedent, Stare Decisis؛ Possess, Proceed, Proceedings, Proceeds؛ تمیز واژگان مشابه حقوقی، ۱۱۳	بخش هشتم - تشریح همه اقسام Relative Pronouns؛ نمونه های عینی و حقوقی از Relative Pronouns و اشاره به مجلس اعیان (House of Lords) و مجلس عوام (House of Commons) پارلمان انگلستان؛ ظرایف ساختاری پر کاربرد Relative Pronouns در مقام حذف در حالات سه گانه، همراهی با حروف اضافی، ترکیبات و جانشین ها؛ انواع مجازات در حقوق کیفری انگلستان از Fine تا Death؛ حذف مجازات مرگ (Capital Punishment) در حقوق کیفری انگلستان؛ مجازات مرگ (Capital Punishment) در قرآن و از نگاه Amnesty International؛ تمارین..... ۱۳۴	بخش نهم - انواع Tense در زبان انگلیسی با توجه به Tense های رایج از جمله در متون حقوقی؛ جغرافیای کامل از To Be Verbs و توسعه دایره واژگان و کاربرد شایع آنها در متون حقوقی؛ اصل تقارن و همزمانی عنصر مادی و عنصر معنوی جرم و گریزی به Queen's Bench؛ بررسی پرونده [1969] Fagan v. Metropolitan Police Commissioner و گریزی به Inner Temple؛ بررسی پرونده R v. Miller [1983] در تقدم عنصر مادی بر عنصر معنوی جرم و تمرکز بر ترک فعل؛ تحلیل فیلم در ارکان Magistrates' Court؛ تمارین..... ۱۵۵	بخش دهم - کاربردهای زمان Simple Present و موارد افزودن s, es و نحوه تلفظ افزونه s, es؛ عوامل رافع یا تقلیل دهنده مسئولیت مرتبط؛ شرط تحقق جرم در تقدم عنصر معنوی بر عنصر مادی و بررسی پرونده [1966] R v. Church؛ عوامل رافع یا تقلیل دهنده مسئولیت کیفری (Criminal Defences: Complete, Partial)؛ شرایط تحقق جرم و توجه به فقدان Valid Defence و شرایط مسئولیت کیفری در قبال ترک فعل؛ بررسی مفهوم Offence و مصادیق International Law و Offences against Property و Offences against the State و Offences Relating to Road Traffic؛ تحلیل مفهوم و مصادیق مختلف Burglary و انواع آن و تمیز از Steal و Robbery؛ بررسی عناوین کیفری از Inchoate Crime, Attempted Crime, Result Crime, Conduct Crime, Incest, Adultery, Legitimacy؛ بررسی مفاهیم حقوقی Emigrate, Immigrate, Smuggling؛ تحلیل فیلم در تفاوت Prosecutor و the Defense Attorney؛ تمارین..... ۱۷۵
---	---	---	--	--



## سابقه ای مختصر از مبتکر و خالق مجموعه گام های بنیادین و نکاتی در خصوص زبان آموزی:

دکتر طاهر حبیب زاده، فارغ التحصیل مقطع کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین الملل و دکتری حقوق فناوری اطلاعات با تکیه بر حقوق تجارت الکترونیک از دانشگاه منچستر انگلستان می باشند. ایشان برای انجام پژوهش های حقوقی، مهمان دانشکده حقوق دانشگاه هاروارد نیز بوده اند و دوره پایانی زبان انگلیسی خود را در دانشگاه UCL لندن گذرانده اند و مجموعه تالیفات حقوقی ایشان در حوزه حقوق فناوری اطلاعات و تجارت الکترونیک، برگزیده بخش حقوق جشنواره بین المللی فارابی در علوم انسانی است. ایشان، بنابر تجربه عملی و نظری، در زمینه آموزش زبان انگلیسی برای جامعه حقوقی کشور، معتقدند:

- ◆ یادگیری سطح بالای زبان انگلیسی برای یک حقوقی جدی، ضرورتی است انکار ناپذیر، خواه در مقام پژوهش و استفاده از منابع حقوقی خارجی و تدریس باشد یا در مقام اجرای حقوق (از جمله قضاوت، وکالت، مشاوره حقوقی). در هر زمانی، استفاده از اندیشه های دیگران یک ضرورت است؛ چرا که اندیشه از اندیشه نو به نو می شود و می ترواد. مضاف بر این، ارتباط با اهالی حقوق از سایر سرزمین ها، به هر دلیل که لازم باشد، محتاج به یک زبان مشترک است. از ابزارهای بسیار مهم در این مسیر، مسلح شدن به حداقل یک زبان رایج جهانی است. مجموعه حاضر در صدد است تا به شکل بنیادین و پایه ای و با رعایت اصول صحیح و نتیجه بخش، این مهم را با آموزش بنیان های زبان انگلیسی در دو بخش زبان عمومی و زبان تخصصی حقوق در سطح بالایی محقق کند.
- ◆ زبان مساوی با زمان است. زبان یک فرآیند تزییق کردنی و زودبازده نیست، بلکه محتاج تمرین فراوان در گذر زمان است. کسانی که در پی یادگیری کپسولی و تزییقی دانش زبان هستند، نتیجه مطلوب نخواهند گرفت. بایست با مقوله زبان مانوس بود و به انباشت تدریجی دانش و تمرین مکرر آموخته ها قناعت کرد و مهم تر از آن، بر منابع اصیل و روش اصولی آموزش تکیه زد.
- ◆ مجموعه «گام های بنیادین در متون حقوقی انگلیسی» به عنوان کتاب کار فیلم های تهیه شده بر اساس آن (که از وب سایت مدرسه حقوق به آدرس اینترنتی [www.schooloflaw.ir](http://www.schooloflaw.ir)) قابل دانلود است و محصول تجربه عملی و نظری مولف است)، سعی می کند با استفاده از منابع معتبر و شیوه صحیح، از همان ابتدا زبان آموز را با دنیای واقعی زبان عمومی و تخصصی حقوق به زبان انگلیسی در هر چهار مهارت خواندن، نوشتن، شنیدن و صحبت کردن درگیر کند تا در گذر زمان، سطح زبان انگلیسی زبان آموز در هر چهار مهارت به صورت اصولی از پایه تا سطح پیشرفته ارتقا یابد و ترس از مواجه شدن با آثار حقوقی خارجی و ارتباطات و فعالیت های حقوقی فرامرزی متعارف برای همیشه از بین رود. گرچه در دنیای آموزش، هیچ گاه نمی توان تضمین داد، لکن، تحول اساسی در سطح زبان انگلیسی زبان آموز با تسلط وی بر محتوی فیلم های مجموعه گام های بنیادین، تضمین می گردد.
- ◆ نظر به اینکه مطالعه متون تخصصی حقوق بدون تسلط لازم بر زبان عمومی (ساختار، قواعد و واژگان) یک خطای فاحش است، لذا هر دو بخش زبان عمومی و تخصصی حقوق به طور هم زمان مورد توجه قرار می گیرد و در هر دو حوزه، افزایش دانش زبانی در سطح بسیار قابل توجه محقق می شود، به طوری که پس از آن، بنیادآموز می تواند مسیر زبانی خود را شخصا و به راحتی ادامه دهد.
- ◆ و من الله التوفیق و علیه التکلان.

## مجموعه گام های بنیادین (زبان عمومی و تخصصی حقوق) برای نیامندی های زیر طراحی شده است:

(محورهای زیر برگرفته از نامه های دریافتی از علاقمندان به تقویت زبان انگلیسی از اقصاء مختلف جامعه حقوقی، قبل از طراحی این مجموعه است.)

- ◆ استاد دانشگاه هستیم اما سطح زبانم پایین است و بایست سطح خود را برای اهداف علمی بالا ببرم.
- ◆ خارج از کشور هستیم و نمی توانم از عهده هزینه های کلاس های خارج برآیم.
- ◆ وکیل هستم و برنامه کاری منظم ندارم و می خواهم با آموختن زبان در سطح بالا کار کنم.
- ◆ قاضی هستم و پر مشغله؛ بایست در زمان های آزاد زبان خود را پیش ببرم.
- ◆ دانشجوی هستم و نمی توانم به نحو منظم و مستمر در کلاس های زبان حاضر شوم.
- ◆ طلبه حوزه علمیه است و در نظر دارم با افزایش سطح زبان انگلیسی خود، کارهای تطبیقی فقهی با حقوق خارجی کنم.
- ◆ می خواهم زبانم را برای آزمون های داخلی و خارجی مثل آیلتس و تافل قوی کنم.
- ◆ برای شرکت در آزمون های ارشد و دکتری حقوق، محتاج تقویت زبان عمومی و تخصصی حقوق هستم.
- ◆ در مناطق محروم هستیم و به استاد زبان مناسب دسترسی ندارم و در عین حال بسیار علاقمندم که دانش زبان انگلیسی ام را بالا ببرم.
- ◆ سنم بالا رفته و نمی توانم در کلاس های معمول حاضر شوم. دوست دارم خودخوان کار کنم.
- ◆ می خواهم زبان عمومی و تخصصی حقوق را به صورت همزمان و تا سطح بالا یاد بگیرم.
- ◆ دوره های زبان انگلیسی عمومی و تخصصی حقوقی زیادی شرکت کرده ام، کتب آموزشی زیادی دارم، اما نتیجه دل چسبی نگرفته ام.
- ◆ هزینه های کلاس های زبان به ویژه کلاس های خصوصی بسیار بالاست و نتیجه گرفتن محتاج صرف زمان زیادی است.
- ◆ رفت و آمد به کلاس های زبان در موسسات وقت گیر است و به ویژه در شهر بزرگ.
- ◆ زن خانه دارم و فرصت رفتن به کلاس های زبان را ندارم. دنبال فرصتی هستیم که در هر زمان از روز که فراغت داشتیم، زبان کار کنم.
- ◆ فرزند خردسال دارم و نمی توانم به طور منظم در کلاس های زبان شرکت کنم. نیازمند مجموعه خودآموز هستیم.
- ◆ می خواهم به صورت فشرده و انفجاری و در زمان کم، سطح زبان عمومی و تخصصی حقوقی را ارتقا دهم.
- ◆ یک بار برای همیشه می خواهم زبان انگلیسی را با جدیت تقویت کنم و به دنبال مجموعه ای هستم که با اطمینان کار کنم.
- ◆ می خواهم برای ادامه تحصیل در رشته حقوق به کشورهای انگلیسی زبان مانند انگلستان، آمریکا، کانادا و استرالیا بروم.
- ◆ جهت همکاری با شرکت های خارجی یا شرکت های داخلی که فعالیت برون مرزی دارند، نیاز دارم سطح زبان خود را ارتقا دهم.
- ◆ سطح بالای زبان انگلیسی به معنی ارتقا سطح رزومه و افزایش شانس موفقیت در فعالیت های حقوقی است. باید روی زبانم کار کنم.
- ◆ می خواهم در عرصه پژوهش حقوقی یک گام جلوتر از دیگران باشم و داشته های خود را برای مخاطبان خارجی عرضه کنم.
- ◆ برای ارائه طریق به قانونگذار داخلی در مسائل مستحدثه، لازم است از ابتکارات حقوقی خارجیان مطلع باشم و لذا باید زبانم را قوی کنم.
- ◆ در نظر دارم آثار حقوقی و فقهی معروف مان را به زبان انگلیسی ترجمه و در سطح جهانی عرضه کنم.
- ◆ علاقمندم با تقویت زبان انگلیسی ام در همایش ها، نشست ها و کنفرانس های حقوقی که به زبان انگلیسی برگزار می شود، شرکت کنم.
- ◆ برای نوشتن مقالات آی.اس.آی (ISI) جهت چاپ در مجلات حقوقی خارجی، نیازمند دانش زبانی بالایی هستم.

# Part 1

## بخش اول:

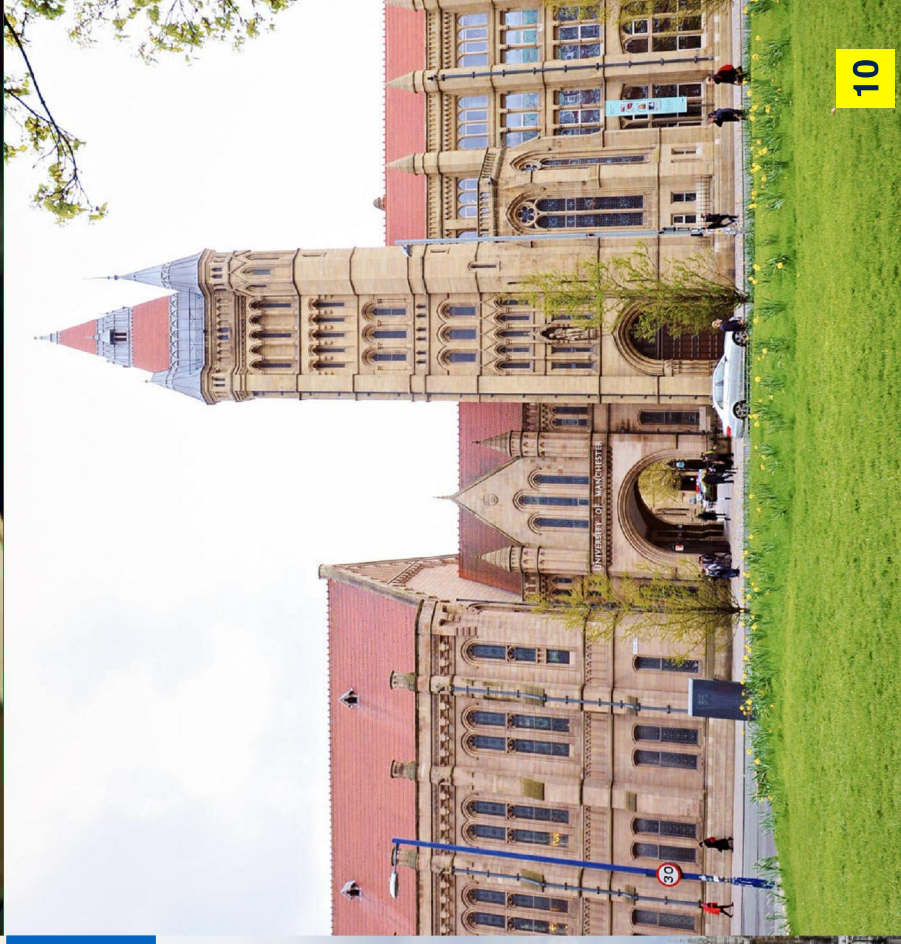
معادل واژگان تخصصی: Equivalence of Technical Words/Terms

# سُورَةُ الرَّحْمٰنِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَمِنْ آيَاتِهِ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَخْتَلَفَ  
اللِّسَانَ وَالْوَلَوَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ ﴿٢٢﴾

And one of His signs is the creation of the heavens and the earth and the diversity of your tongues and colours. There are indeed signs in that for those who know.





bound → bound (آبند)

regard → در نظر گرفتن

regard less → بی توجهی

state → the state of mind

state of mind

offender

alleg → ادعا

allegation → ادعای

the alleged offender → متهم ادعایی

implied term → شرط ضمنی

expressed term → شرط صریح

... would determine whether or not an agreement had been reached between the parties by determining whether there had been a meeting of minds between them. However, the courts now adopt an objective test as to the offeror's intention, not a subjective test. This means that if a reasonable person believed that the alleged offeror implied by his words or conduct that he intended to be bound, then this is sufficient for the offer to be valid in law, regardless of his actual state of mind.

relationship

order

subject to

settlor

benefit

trustee

beneficiary

comprise

the subject matter

term

duty

power

right

conferred

grantor/settlor

I will use this book. (عبارت صحیح) / This book will be used. (نادر)

این کتاب را من می‌خواهم بخوانم.

این کتاب خواهد بود خوانده شود.

بکشیده

۱۳۹۰

۵ ربيع الاول ۱۴۳۳

29 January 2012

when you create a trust, you determine how the funds inside you trust will be used.

تأییدات وقف با تراستی :

۱. وقف : منشأ آن ، حقوق الهی است.
۲. وقف : عهده ، قرار داد است.
۳. وقف : موضوع آن عین مملوکیه یا غیر مملوکیه است.
۴. وقف : دارا بر وجه و غیره تراستی است.
۵. وقف : مال موقوفه دارا تراستی است.
۶. وقف : مال موقوفه فاعد مالک است.
۷. وقف : مال موقوفه مال موقوفه است.
۸. وقف : اصل عدم تنویل مال موقوفه است.
۹. وقف : اوقف موقوفه مصلح عام یا تراستی است.
۱۰. وقف : مؤید است.
۱۱. وقف : مالک نمی تواند در تبعه موقوفه یا شریک است.
۱۲. وقف : متمول مستحق اجرت است.
۱۳. وقف : تصرف در وقف غیر قابل تغییر است.
۱۴. وقف : امکان پس گرفتن موقوفه نیست.

تأییدات وقف با تراستی :

۱. تراستی : امکان تنویل مال موقوفه یا شریک است.
۲. تراستی : مالک می تواند در تبعه موقوفه یا شریک است.
۳. تراستی : تراستی مستحق اجرت است.
۴. تراستی : تراستی می تواند در تبعه موقوفه یا شریک است.
۵. تراستی : تراستی می تواند در تبعه موقوفه یا شریک است.
۶. تراستی : تراستی می تواند در تبعه موقوفه یا شریک است.
۷. تراستی : تراستی می تواند در تبعه موقوفه یا شریک است.
۸. تراستی : تراستی می تواند در تبعه موقوفه یا شریک است.
۹. تراستی : تراستی می تواند در تبعه موقوفه یا شریک است.
۱۰. تراستی : تراستی می تواند در تبعه موقوفه یا شریک است.
۱۱. تراستی : تراستی می تواند در تبعه موقوفه یا شریک است.
۱۲. تراستی : تراستی می تواند در تبعه موقوفه یا شریک است.
۱۳. تراستی : تراستی می تواند در تبعه موقوفه یا شریک است.
۱۴. تراستی : تراستی می تواند در تبعه موقوفه یا شریک است.
۱۵. تراستی : تراستی می تواند در تبعه موقوفه یا شریک است.
۱۶. تراستی : تراستی می تواند در تبعه موقوفه یا شریک است.
۱۷. تراستی : تراستی می تواند در تبعه موقوفه یا شریک است.
۱۸. تراستی : تراستی می تواند در تبعه موقوفه یا شریک است.
۱۹. تراستی : تراستی می تواند در تبعه موقوفه یا شریک است.
۲۰. تراستی : تراستی می تواند در تبعه موقوفه یا شریک است.

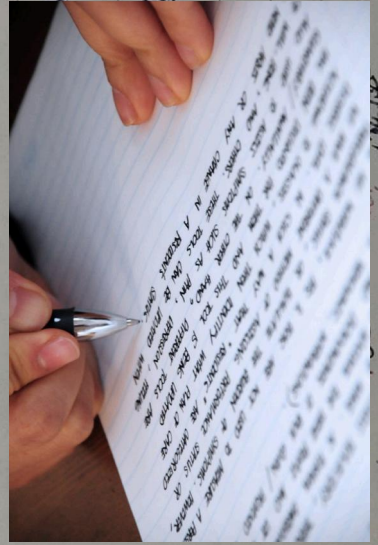


## روش های تمرین صحیح در فرآیند آموزش زبان انگلیسی

۱. از روی متون املا بنویسید؛ هر چقدر بیشتر، بهتر. باید دست عادت کند.
۲. به گفتگوهای معیار انگلیسی (نه محاوره ای و کوچه بازاری) هر روز گوش دهید مانند اخبار بی بی سی و سخنرانی علمی.
۳. متون را با صدای بلند بخوانید به نحوی که صدای خود را بشنویید. با این روش، زبان شما برای صحبت کردن باز می شود.
۴. آنقدر با صدای بلند تکرار کنید تا بتوانید متن را از حفظ بگویید.
۵. دفتر مستقل داشته باشید تا هر چه از ساختار و قواعد و واژگان یاد می گیرید در آن ثبت کرده و روزانه مرور کنید تا ملکه شود.
۶. بایست بر روی همه مهارت های چهارگانه کار کنید: خواندن، نوشتن، شنیدن، صحبت کردن

the parties by determining whether there had been a meeting of minds<sup>6</sup> between them. However, the courts now adopt<sup>7</sup> an objective test as to the offeror's intention<sup>8</sup>, not a subjective test. This means that if a reasonable person believed that the alleged<sup>11</sup> offeror implied by his words or conduct<sup>13</sup>

You cannot mistake their house - it has a big red door  
make a mistake: We all make mistakes -> غلطی  
I always make a mistake  
mistake (verb): If you think you cannot learn English language, you are mistaken / mistaken!  
mistakenly: They mistakenly believed that he was



# نمونه عینی از دفتر ثبت دانش زبانی یک زبان آموز سطح پیشرفته و رهگیری آموخته ها و مرور آنها

- a good day can deliver but for you don't give me an honour / do you want to give me the honour of getting to know me  
 - give me an honour of doing with you / you honoured me with your presence  
 - I am happily married / extremely lovely / extremely beautiful / extremely upset / I am deeply in love with her  
 - she is unbelievably beautiful / extremely upset / I am deeply in love with her  
 - my pleasure / My time to see / give me an honour of seeing you  
 - he drives very fast / I don't know what fate awaits me  
 - I am getting changed / Tidal wave inundated vast areas of land  
 - are you playing hard to get? / I don't know what fate awaits me  
 - regulars can study the immutable transaction record - unchangeable  
 - his decisions are immutable - hear v. listen / listen to the music - pay attention  
 - I hear the music / this is a British nobleman  
 - The disposition of medicines in rural areas / They performed the  
 - each case is considered on its merits / crown for disposition  
 - harsh / harshness - he continues to languish in prison  
 - arbitrary nature / I am ready to start the case against you  
 - specific performance / interlocking crowd / portrayal of his life / crown judge  
 - the film / novel is not an accurate portrayal of his life / crown judge  
 - equity is a rough thing - equity assist the diligent and not the tardy / rough luck  
 - discretionary / equity assist the diligent and not the tardy / rough luck  
 - This word is apply used here / equity - an equitable standing / equity  
 - He tried to modify her angry wife by giving her a gift / equity  
 - extremity of poverty / equity - extremity of low level  
 - The discrepancy between the two accounts is small / equity  
 - equity is the paramount in the decision making process / equity  
 - The paramount problem of our age is religion / equity  
 - 1397 / equity  
 - The fused together to run justice across the country / equity  
 - The inclusion of equity is a good thing for weaker parties / equity

- to submerge under purity of contents / a simple example  
 - He exemplified his point by with a simple example  
 - try to untie the Gordian knot / a simple example  
 - a capricious jurisdiction / climate = unpredictable / depends  
 - observe local legal laws / political impacts - cypherpunk (s)  
 - as much as it necessary / market / iron hammer  
 - five 19 - Adam - on the side of equity / give notes  
 - interfere with - invite penalties fairly - expose = exposure to  
 - get the most of sth / legal barriers  
 - can we cut through this process and make a decision / process  
 - it is easy to overlook such a small detail / ignore / process  
 - a semantic debate / semantics / vast study  
 - under one's nose / he trusts the paper under the inspector's nose  
 - visual knowledge / information / outs / bearing - bearer of  
 - he was fine as a member to represent hatred / letter  
 - a prestigious school / chairman / David Chalmers / bearing  
 - repo. representative / repo man / (US) reverse / bearing  
 - The lion has been pinched / kidnapping / pay off / bearing  
 - The machine tampered with pinion / cyphers / no right to tamper with this  
 - This mission is deeply engaged in the culture of pinion  
 - try to fill his attempts / efforts / pay his - wire de car  
 - promote cause / promote preservation / respectfully  
 - arison's lion = mechanics lion / inkeeper's lion  
 - they are closely related / lender - lendee / the person to whom  
 - 1397 / collateral / collateral  
 - collateral - collateral assistance / collateral

# law

noun

UK /lɔː/ US /ləː/

law noun (RULE)

B1 [C]

a rule, usually made by a government, that is used to order the way in which a society behaves:

- There are laws **against** drinking in the street.
- The laws **governing** the possession of firearms are being reviewed.
- They led the fight to impose laws **on** smoking.



Mobile Testing on Real Devices

Start Testing



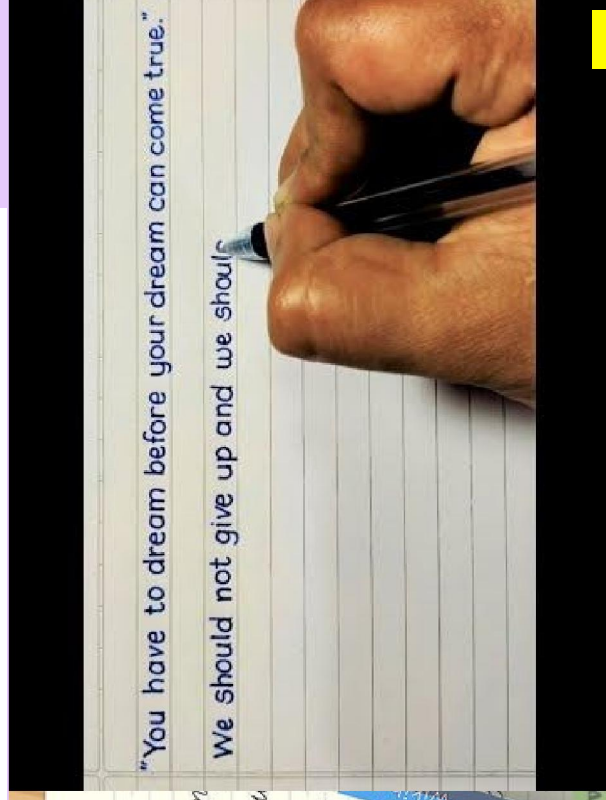
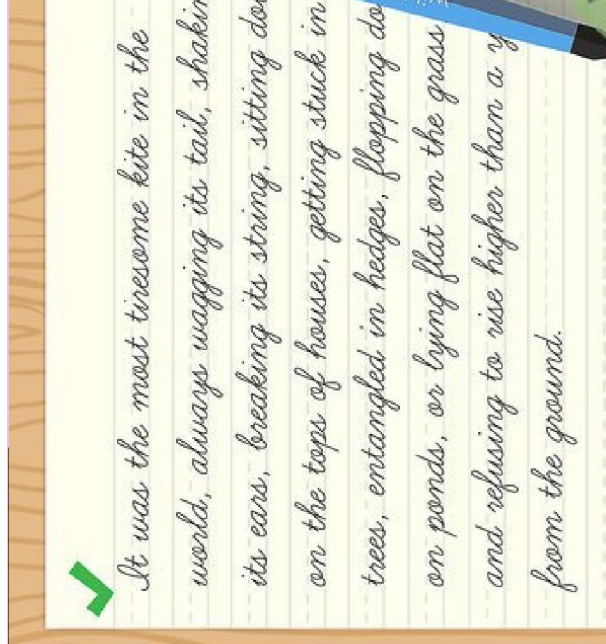
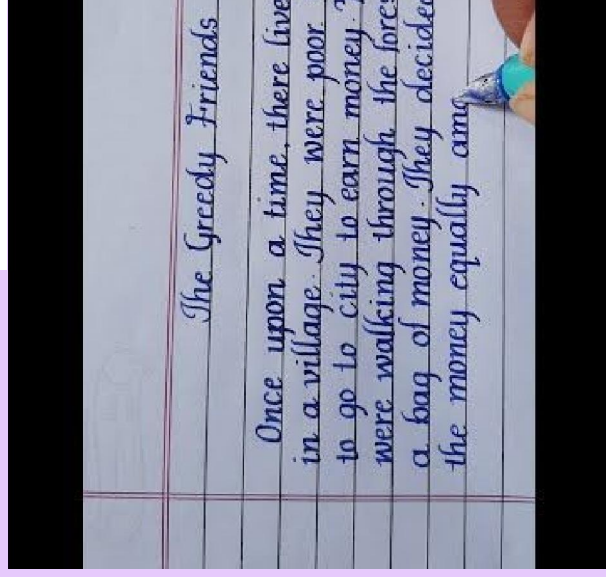
## نکات یادداشت برداری صحیح

و

حفظ دقیق متون حقوقی:  
تلفظ + ساختار + قدرت + سرعت

هشدار مهم: صرف گوش کردن، معجزه نمی کند

1. با رنگ های مختلف بنویسیم نه تک رنگ؛ هر رنگ برای هدفی انتخاب می شود.
2. منظم و خوانا بنویسیم؛ تا انگیزه مرور نوشته هایمان را داشته باشیم.
3. ترجمه واژگان را زیر کلمات ننویسیم؛ تا در زمان مرور کردن، ذهن مان تنبیل بار نیاید.
4. همه نکات را بنویسیم به طوری که با مرور آنها، محتوی همه آنچه آموخته ایم، مرور شود:  
گرامر و ساختار، جملات و عبارات رایج و کاربردی، حقوق ماهوی و تمرین ها و ...



# نمونه هایی از یادداشت نویسی غیر استاندارد بنیاد آموزان

23  
 The courts would determine whether or not an agreement had been reached between the parties by determining whether there had been meeting of mind between them. However, the courts now adopt an objective test as to the offeror's intention, not a subjective test. This means that if a reasonable person have known that the merged offeror implied by his words or conduct that he intended to be bound.

Trust is a relationship created at the order of the settlor for the benefit of others. The person who creates the trust is the settlor. The person who holds the property under the trust is the trustee. The person who is benefited by the trust is the beneficiary. The property that creates the trust is the subject matter. The trust is created for the benefit of one or more persons. The trustee has a duty to manage the property for the benefit of the beneficiaries. There are many types of trusts and many purposes for their creation.

The person who creates the trust is the settlor. The person who holds the property under the trust is the trustee. The person who is benefited by the trust is the beneficiary. The property that creates the trust is the subject matter. The trust is created for the benefit of one or more persons. The trustee has a duty to manage the property for the benefit of the beneficiaries. There are many types of trusts and many purposes for their creation.

The offeror made an intention to trust, then, he...  
 The offeror has no intention to create a trust for the benefit of others.  
 A trust is created for the benefit of others.  
 The offeror has no intention to create a trust for the benefit of others.  
 A trust is created for the benefit of others.  
 The offeror has no intention to create a trust for the benefit of others.  
 A trust is created for the benefit of others.

Trust is a relationship created at the order of the settlor for the benefit of others. The person who creates the trust is the settlor. The person who holds the property under the trust is the trustee. The person who is benefited by the trust is the beneficiary. The property that creates the trust is the subject matter. The trust is created for the benefit of one or more persons. The trustee has a duty to manage the property for the benefit of the beneficiaries. There are many types of trusts and many purposes for their creation.

Trust is a relationship created at the order of the settlor for the benefit of others. The person who creates the trust is the settlor. The person who holds the property under the trust is the trustee. The person who is benefited by the trust is the beneficiary. The property that creates the trust is the subject matter. The trust is created for the benefit of one or more persons. The trustee has a duty to manage the property for the benefit of the beneficiaries. There are many types of trusts and many purposes for their creation.

# نمونه هایی از یادداشت نویسی استاندارد بنیاد آموزان

Incaring injunction

Testimony (n)

Some doubts have been expressed about his testimony.

Law { UK: 1a; US: 1a;

Originally, the courts would determine whether or not an agreement had been reached between parties by determining whether there had been a meeting of minds between them. However, the courts now adopt an objective test as to the offeror's intention, not a subjective one. This means that if a reasonable person believed that the alleged offeror implied by his words or conduct that he intended to be bound, then this is sufficient for the offer to be valid in law, regardless of his actual state of mind.

Originally (adv): Originally, it was a bedroom, but we Originate (v) turned it into<sup>2</sup> a study-room. Origin (n)

Determine: 1 (Decide): we should determine our own future. 2 (to make strong decision): she determined that one day she would be a professor. 3 (Discover): The police never determined the cause of death.<sup>4</sup>

whether: I am not sure whether you would like it. [whether or not]

Agreement: we have an agreement with the company.

Reach → General: (= Arrive) we will reach until 5 o'clock. legal: After 14 days, the jury reached a verdict.

Mind: (n) I just said the first thing that came into my mind.

just: 1 only 2 I've just arrived.

in my mind: in ← Mind

1 Do you mind if I smoke?

2 I don't mind having a dog in the house.

mind (v) + Verb + ing

Meeting: we will have a meeting on Monday.

she is now in a meeting.

Meeting of Minds (legal word)

Adopt: This approach has been adopted by many big banks. [Adapt] (v): The airplane is approaching to the airport.

Objective: 1 goal: His main objective is to say in power. 2 long term / short term objectives.

Objective and impartial report / judgment

1. ابراهام / شاد بر فیست کرتین / رشا / براد
2. بندر کون / جیو / جیو / جیو
3. رفیع کرتین / انوار کون / انوار کون / انوار کون
4. علی / علی
5. توفیق
6. ریشم / برنجی / نازان / منصورین
7. هبات / رفیق
8. جیو - رای

## How do trusts work? (در بیان عمل)

- Trusts are like containers you can put things into. You, the grantor, can place assets-like your house, life insurance policies, investments and other possession-in to a trust. These assets become property of the trust, and are managed by your trustee. You appoint the trustee to ensure your wishes are carried out.
- As grantor, you decide who receives the assets inside your trust. Typically, your spouse, your children, grand children, and charities of your choice are the beneficiaries who receive the assets held in trust.
- When you create a trust, you determine how the funds inside your trust will be used and they will be dispersed. For example, you may want to use assets in your trust to jump-start your children's careers when they are 25. Or supplement their retirement when they turn 60. Or pay college tuition expenses for your grandchildren or provide annual scholarships to your alma mater. Your appointed trustee ensures every thing in managed according to your instructions. It's important to know there are different kinds of trusts for different purposes.

توجه به بار معنایی و رابطه در زبان عمومی نسبت به زبان تخصصی:

1. Consider: please consider this case

carefully. (V)

2. Consideration: After some consideration,

we want to sell the house. (N)

مطلبه از علائم اسم است.

to take sth into consideration: we should take his

statements into consideration.

\* sth = something / sb = somebody

Consideration = one of the important elements of a valid contract

\* الره بما چیزی بدهم باید در مقابل چیزی دریافت کنم و معنی آن چیزی که من بدهم باید چیزی دریافت کنید مثل قرارداد بخر اما ارهه = gift که در صورتی که من لا عوفین ندارد چیزی را در مقابل معسوب یعنی خود و یک نفر دیگر جانبدار است.

- 1- ملاحظه کردن و بررسی کردن
- 2- ملاحظه و بررسی
- 3- رونده
- 4- به وقت
- 5- چیزی را به وقت بررسی کردن
- 6- Some books → اسم قابل شمارش
- 7- اظهارات
- 8- عناصر
- 9- معین
- 10- Some water → اسم غیر قابل شمارش

insurance policy: An insurance policy is a contract between insurer and the policyholder.

investment: This form of investment secures your future.

possession: The possession of large amounts of money does not ensure happiness.

age: He manages the company according to the Company Act 2004.

Do you know the age of that building?

age of technology

act or omission

Civil Act

Trade Act

stipendiary judge

He was appointed as a stipendiary judge.

The role of the police is to ensure that the law is obeyed.

صورت نام

بچه دار

دارنده عذر (بیم)

صورت نام

تقصیر کردن

تقصیر کردن

منسوب کردن

container: This container will take six litre (US) plastic milk containers

grantor: I, as the grantor, want to know about the...

asset: Better making any decision, all assets have to...

value: Can you value this invention?

decide: She decided to have/get an abortion.

insurance: The hospital admits patients who have pro...

make a contract

monetary policy / determination of policy

admit

The court determines the nature of an of...

life insurance: A life insurance is a type of contract...

مجلس

مجلس

مجلس

مجلس

مجلس

مجلس

مجلس

مجلس

container: This container will take six litre (US) plastic milk containers

grantor: I, as the grantor, want to know about the...

asset: Better making any decision, all assets have to...

value: Can you value this invention?

decide: She decided to have/get an abortion.

insurance: The hospital admits patients who have pro...

make a contract

monetary policy / determination of policy

admit

The court determines the nature of an of...

life insurance: A life insurance is a type of contract...

مجلس

مجلس

مجلس

مجلس

مجلس

مجلس

مجلس

مجلس



### pronoun<sup>1</sup>

\* درسی متن تخصصی از زبان ساده منمیل (1) :

nominative<sup>2</sup> / subjective pronouns

I, you, he, she, it, we, you, they  
I work. You see me.

objective pronouns

me, you, him, her, it, us, you, them  
She teaches me English.

possessive<sup>3</sup> pronouns

mine, yours, his, hers, its, ours, yours, theirs  
That book is mine.

self pronouns

reflexive<sup>4</sup> and emphasizing pronouns  
myself, yourself, himself, herself, itself, ourselves, yourselves, themselves

I saw myself in the mirror. →

I myself wrote this letter. →

relative<sup>6</sup> pronouns

who, which, that, whose, what, where, whom  
the man who came here is my brother.

\* صیغه را به هم وصل می کنند.

\* مرجع آن، انسان، اشیا و غیره اند + حالت ضاعلی طرح + معرفت آن صیغه ضاعلی است.

1. write, write → written, see → saw, seen, pronominal.
2. pa'eziv → come → came, time → come
3. relativ →
4. r'ifleksiv →
5. r'ifleksiv →
6. r'ifleksiv →

1. صفت نسبی است. ing. 2. صفت نسبی است.

AMAHAN

### h.2

\* بیان صفت نامی یا subjective pronoun و صفت مفعولی یا object pronoun.

- I study law
- you study law
- he studies law
- she studies law
- it
- we study law
- you study law
- they study law

\* آید صفت نامی باشد ما میسیم که آموزش است و ی صفت مفعولی است و در جایی که صفت نامی باشد و در جایی که صفت مفعولی باشد.

baby → babies memory → memories story → stories

\* ما ۴ حرف مفعولی داریم: a, e, u, i, o. اینها صفت مفعولی هستند.

\* boy → boys enjoy → enjoys

\* ما ۴ حرف مفعولی داریم: a, e, u, i, o. اینها صفت مفعولی هستند.

\* ما ۴ حرف مفعولی داریم: a, e, u, i, o. اینها صفت مفعولی هستند.

\* ما ۴ حرف مفعولی داریم: a, e, u, i, o. اینها صفت مفعولی هستند.

\* ما ۴ حرف مفعولی داریم: a, e, u, i, o. اینها صفت مفعولی هستند.

\* He enjoys studying English. I started listening to music.  
I want to eat my lunch.

X

عبره 15

Date: \_\_\_\_\_  
Subject: \_\_\_\_\_

Part 2  
 Equivalence of Technical Words/Terms  
 Originally<sup>1</sup> the courts would determine whether or not<sup>2</sup> an agreement had been reached between the parties by determining whether there had been a meeting of minds<sup>3</sup> between them. However<sup>4</sup>, the courts now adopt an objective test<sup>5</sup> as to the offeror's intentions<sup>6</sup>, not a subjective test<sup>7</sup>. This means that if a reasonable person believed that the alleged<sup>11</sup> offeror implied by his words or conduct<sup>13</sup> that he intended to be bound, then this is sufficient<sup>14</sup> for the offer to be valid in law, regardless of his actual state of mind.

1. اصناف
2. حواشي
3. حواشي
4. توافق
5. اتفاق
6. توافق
7. قصد
8. رخصي
9. رخصي
10. قصد
11. مورد
12. توافق
13. توافق
14. توافق

### Lesson 5

### Part 3

agreements; but all not contracts.

Recognition and Enforcement (Foreign Arbitral Awards) Act, 1996 (I. tre. I. Sen / I. tre. I. tarl)

جانبه - رأيه  
 ربطه و طرفه

### Contract formation

part of a contract is that make an agreement which offer and acceptance.

مقدمه  
 offer  
 قبول  
 acceptance

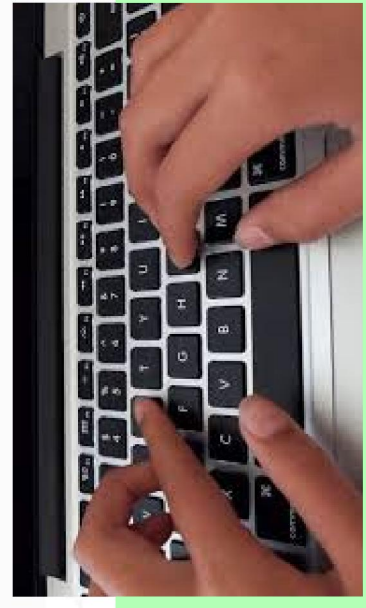
2: Consideration means that something is given in exchange for the offer. Both parties must feel value and see benefits.

3: Capacity means the ability of the parties to enter into legally binding relation. In the UK, a person under the age of 18 cannot enter into a contractual relation. (Contractual agreement)

4: Certainty means that all the requirements for the performance of a contract must be known to the contracting parties before the contract is signed. [Know → Knew → Known]

5: The contracting parties must have a common intention to enter into legal obligation.

6: The contract must be legally accepted by the law courts. For example, the purpose of a contract in the law courts



دقت مهمه!  
 تایپ کردن ممنوع!  
 باید دست تان کار کند....

# در دوره بنیادین فقط در پی یادگیری زبان انگلیسی نیستیم بلکه از قواعد حقوقی نظام کامن لا نیز یاد می گیریم و تطبیق می دهیم دو نمونه از یادداشت نکات حقوقی آموخته شده در درس توسط بنیاد آموزش:

When you create a trust, you determine how the funds inside you trust will be used.

**نکات:**

- 1. Trust: نهاد آن - حقوق الهی است.
- 2. Trust: عقد، قرارداد است.
- 3. Trust: موضوع آن مشخص تمام قضا و متناهی است.
- 4. Trust: دارنده، مدعی و غیره است.
- 5. Trust: مال مشخصی است.
- 6. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 7. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 8. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 9. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 10. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 11. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 12. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 13. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 14. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 15. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 16. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 17. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 18. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 19. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 20. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 21. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 22. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 23. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 24. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 25. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 26. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 27. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 28. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 29. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 30. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 31. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 32. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 33. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 34. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 35. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 36. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 37. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 38. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 39. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 40. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 41. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 42. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 43. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 44. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 45. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 46. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 47. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 48. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 49. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 50. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.

**نکات:**

- 1. Trust: نهاد آن - حقوق الهی است.
- 2. Trust: عقد، قرارداد است.
- 3. Trust: موضوع آن مشخص تمام قضا و متناهی است.
- 4. Trust: دارنده، مدعی و غیره است.
- 5. Trust: مال مشخصی است.
- 6. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 7. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 8. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 9. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 10. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 11. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 12. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 13. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 14. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 15. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 16. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 17. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 18. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 19. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 20. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 21. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 22. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 23. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 24. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 25. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 26. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 27. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 28. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 29. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 30. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 31. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 32. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 33. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 34. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 35. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 36. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 37. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 38. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 39. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 40. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 41. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 42. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 43. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 44. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 45. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 46. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 47. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 48. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 49. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.
- 50. Trust: مال متصرف، فاعل مالک است.

The Law of Trusts در مورد همین صحبت کرده ولی ما نمی توانیم بگوییم این Trust همان وقت ما است. بر مبنای دیکشنری نمی توان گفت این وقت است. باید به مطالب و نکت مراجعه کرد.

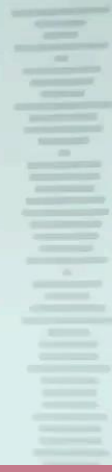
**مثال:**

- آیا امکان تسلی موضوع تراست وجود دارد؟
- آیا تراست تراست است؟
- آیا تراست در صورتی مالی حاکم است؟
- آیا مالک می تواند مال مورد تراست را برگرداند؟
- تفاوت های وقت با تراست (در قانون کامن لا)
- وقت و نشانی وقت حقوق اسلامی است. تراست: نشان آن انصاف در کامن لا است.
- وقت: عقد تراست است. تراست: ابداع است، تراستی در برابرش باید صحت نفس داشته باشد و تراست انصاف یعنی وقت.
- وقت: عین کامل، فاعل و مال متصرف خود تراست: صورتی مال و حقوق عینی و دینی می تواند وقت شود.
- وقت: بعد و معنی صورتی دارد. تراست: عام است، از جمله تصفیه ارض و ورگستره.
- وقت: مال متصرفه را می میسر است. تراست: همان تراستی فاعل و شخصیت حقوقی مستقل.
- وقت: مال متصرفه فاعل و مالک است. تراست: تراستی، قانونی، مالک، قانونی، راسی، مال است اما مالک نمی شود.
- وقت: اصل علم، مکان تبدیل مال متصرفه. تراست: اطلاق تبدیل مال مورد تراست از وظایف است.
- وقت: صورتی در مصالح عامه، خود واقف می تواند تصفیه مال تراست: در هر حال مالک می تواند تصفیه را.
- وقت: معنی تراست: عام (مورد یا فوق) خاص (موقت)
- وقت: بدقت خاص، حال تراستی باید نوع یا فعلی (عقد تراستی) تراست: فاعل تراست است.
- وقت: مالک تراستی تراستی فاعل تراست: تراست: مالک می تواند از نوع تصفیه تراست.
- وقت: فعلی مستقل حرف است. تراست: تراستی فاعل تراست است. مگر تعیین شود.
- وقت: فعلی و وقت تقریباً غیر قابل تغییر است. تراست: تراستی می تواند استعفا دهد یا غزل شود.

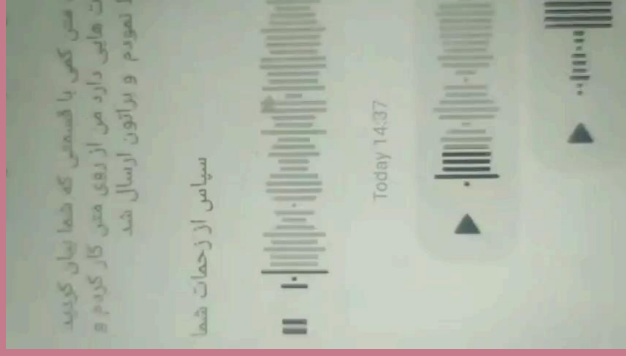
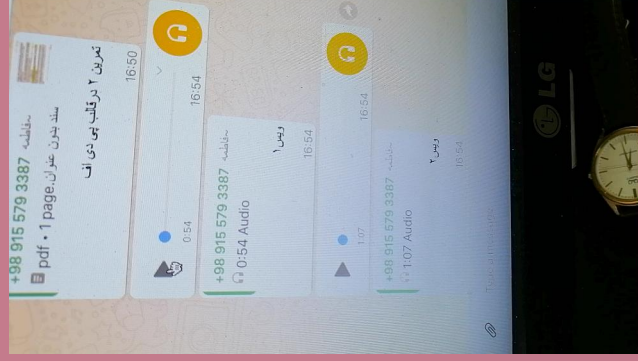


گوش میکنم  
عذرخواهی میکنم از شما بابت اینکه  
و اونطوری که مورد پسند شما باشه  
استرس حذف از دوره شما رو داشتم  
کردم زودتر خدمتون ارسال کنم و س  
میکنم از این به بعد مرتب تر بنویسم  
کمال تشکر و احترام

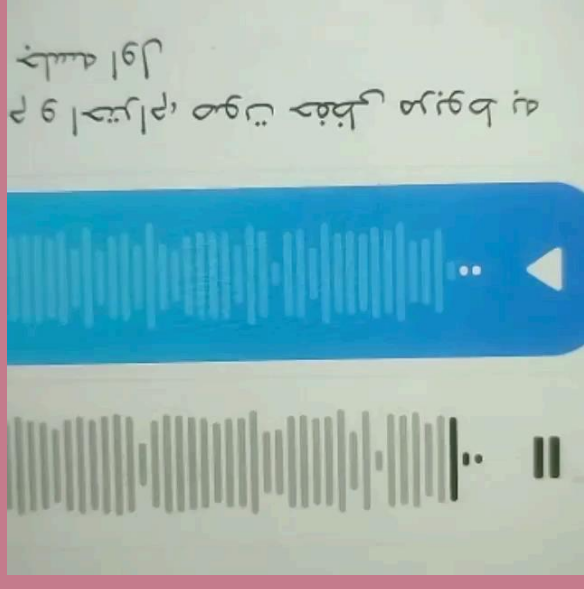
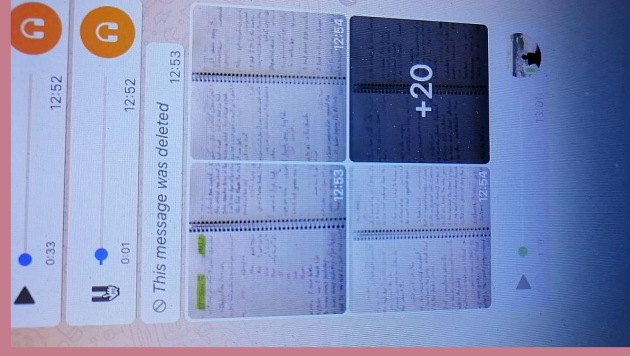
Today 08:36



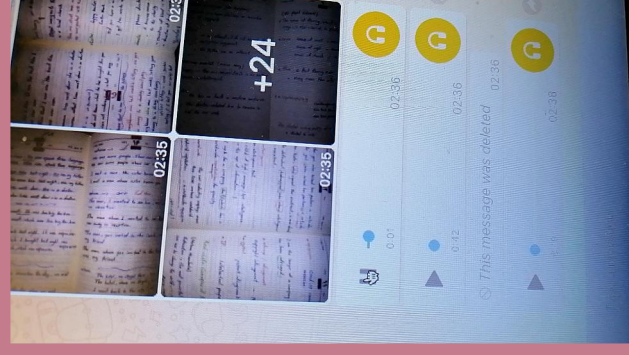
خسته صحبت نکنیم!  
با انرژی باشیم.



کلمات را مجزا یا بریده بریده تلفظ نکنیم  
به هم وصل کنیم.



روان تر و با لحن مناسب  
صحبت کنیم.



## توجه به بار معنایی واژگان در زبان عمومی نسبت به زبان تخصصی حقوق: (۱)

- **consider**: Please **consider** this case carefully. /kən'sɪd.ər/.  
- **consideration**: After some **consideration**, we want to sell the house. /kən'sɪd.ə'reɪ.fən/.  
- to take **sth** into **consideration**: We should **take** his statements **into consideration**.
- sth = something | sb = somebody**
- **consideration**: One of the important elements of a valid contract is 'consideration'.

## توجه به بار معنایی واژگان در زبان عمومی نسبت به زبان تخصصی حقوق: (۲)

- **contract**: He **contracted** Malaria!  
- **contract**: I want to form a **contract**. (n= noun) I **contracted** with John. (v=verb)

## نکته مهم در معادل سازی واژگان تخصصی حقوقی

۱. معادل سازی هم در زبان عمومی مطرح است هم در زمان تخصصی حوزه های مختلف:

معنی مناسب «الرحمن الرحیم» در «بسم الله الرحمن الرحیم»:

**Beneficent - Merciful - Compassionate - Gracious**

( /be'nef.i.sənt/ - /mɜː.sɪ.fəl/ - /kəm'pæʃ.ən.əl/ - /greɪ.ʃəs/ )

۲. زبان تخصصی حقوقی: باید مفهوم واژه را در زبان مقصد و مبدا در نظر گرفت و به دنبال معادل همان مفهوم بود:

- **destroy** || Trust me. || Trust in God. || Public trust.      مثال ۱: معادل فارسی چیست؟
- **Tort**      مثال ۲: معادل فارسی چیست؟
- **Agreement**      مثال ۳: معادل فارسی چیست؟
- **Strict Liability Crimes**      مثال ۴: معادل فارسی چیست؟
- **Crime**      مثال ۵: معادل فارسی چیست؟
- **Condisderation**      مثال ۶: معادل فارسی چیست؟

# Oxford Reference

Search

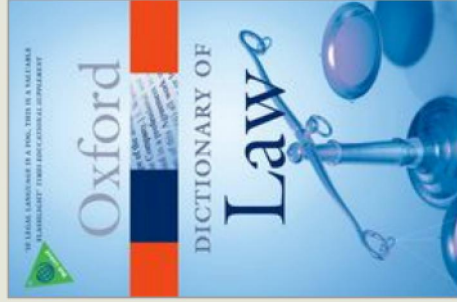


Subject

Reference Type

My Content (1)

My Searches (0)



## A Dictionary of Law (7 ed.)

Jonathan Law and Elizabeth A. Martin

Next Edition: 8 ed. Latest Edition (9 ed.)

**'Precision for the professional is combined with a layman's enlightenment'** *Times Educational Supplement*

This online-only edition has been thoroughly revised and updated in 2013.

This best-selling dictionary is an authoritative and comprehensive source of jargon-free legal information. It contains over 4,200 entries that clearly define the major terms, concepts, processes, and the organization of the English legal system. Entries have been fully updated for this new edition to reflect the very latest legislation, including the substantial new Companies Act that affects company law, and the Co ... [More](#)

### BIBLIOGRAPHIC INFORMATION

Publisher: Oxford University Press

Current Online Version: 2014

eISBN: 9780191726729

Published online: 2009

DOI: 10.1093/acref/9780199551248.001.0001

Jonathan Law, *author*  
Elizabeth A. Martin,  
*author*

Subscriber sign in

Username

ALL CONTENTS

ENTRIES



Reference type: **Subject Reference**  
Current Version: 2020

Subject: Language reference  
Length: 57 words

... not **trust** someone as far as you can throw them not **trust** or **hardly trust** a particular person at all. **informal trust** someone to — it is characteristic or predictable for someone to act in the specified way. 2003 Blue Witch 'Blimey, some of that furniture is a bit phallic, isn't it!' '**Trust** you to notice...

## **trust**

A Dictionary of Accounting (5 ed.)



Reference type: **Subject Reference**  
Current Version: 2016

Subject: Social sciences, Business and Management  
Length: 105 words

## **Quick reference**

... An arrangement enabling property to be held by a person or persons (the trustees ) for the benefit of some other person or persons (the beneficiaries). The trustee is the legal owner of the property but the beneficiary has an equitable interest in it. A **trust** may be intentionally created or it may be imposed by law (e.g. if a trustee gives away **trust** property, the recipient will hold that property as constructive trustee for the beneficiary). **Trusts** are commonly used to provide for families and in commercial situations (e.g. pensions **trusts**). See also ...

## **trust** *n.*

A Dictionary of Nursing (7 ed.)



Reference type: **Subject Reference**  
Current Version: 2017

Subject: Medicine and health  
Length: 32 words

## **Quick reference**

... **trust** [ **trust** ] *n.* (in the NHS) a self-governing body that provides or commissions any of a range of health-care services, including hospital, community health, and mental health services. See also foundation **trust** ...

## **trust**

A Dictionary of Law (9 ed.)



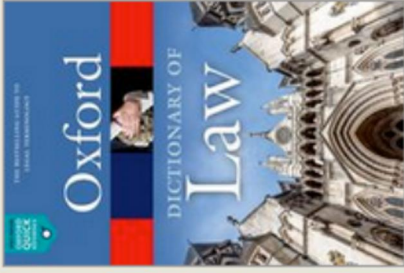
Reference type: **Subject Reference**  
Current Version: 2018

Subject: Law  
Length: 355 words

## **Quick reference**

... **trusts** are, however, usually found in professionally drafted documents. **Trusts** are sometimes





# A Dictionary of Law (9 ed.)

Edited by Jonathan Law

Publisher: Oxford University Press

Print ISBN-13: 9780198802525

Current Online Version: 2018


Print Publication Date: 2018

Published online: 2018

eISBN: 9780191840807

Find at OUP.com



**trust** in 224..... n. 

1. An arrangement in which a \*settlor transfers property to one or more \*trustees, who will hold it for the benefit of one or more persons (the ... ..

*Access to the complete content on Oxford Reference requires a subscription or purchase. Public users are able to search the site and view the abstracts and keywords for each book and chapter without a subscription.*

*Please [subscribe](#) or [login](#) to access full text content.*

*If you have purchased a print title that contains an access token, please see the token for information about how to register your code.*

*For questions on access or troubleshooting, please check our [FAQs](#), and if you can't find the answer there, please [contact us](#).*

**trust** *n.* 1. An arrangement in which a \*settlor transfers property to one or more \*trustees, who will hold it for the benefit of one or more persons (the **beneficiaries** or *cestuis que trust*, who may include the trustee(s) or the settlor) who are entitled to enforce the trust, if necessary by action in COurt. The trust, recognized originally in Chancery, is based on confidence and developed from the \*use; it has been described as the most important contribution of English \*equity to jurisprudence. The beneficiary has rights against the trustee and may also have rights over the property in the hands of others (*see* TRACING TRUST PROPERTY). When a sole beneficiary is 18 or over, sane, and entitled to all the trust Property, he may require the trustees to transfer that property to him; this applies equally when all the beneficiaries are 18 or over, sane, and likewise entitled. For a trust to exist, the **three certainties** must be present: certainty of intention (i.e. to create a trust), certainty of subject matter (the property in the trust), and certainty of objects (those who will or may benefit under the trust).

There are few formal technical requirements necessary for the creation of a trust, except where land is concerned, though express trusts are usually found in professionally drafted documents. Trusts are also commonly used to protect an individual's (or company's) ownership of property, when it is feared that the possessor of the property may become insolvent. *See* ACTIVE TRUST; CHARITABLE TRUST; DISCRETIONARY TRUST; EXECUTED TRUST; EXPRESS TRUST; IMPLIED TRUST; PROTECTIVE TRUST; SECRET TRUST; STATUTORY TRUST.

**settlor** *n.* A person who creates a \*settlement. In a broad sense the term includes testators; in a more restricted sense it signifies one who settles property during his life.

## ownership

offeror

offeree

/ɪn 'tʌɪ.təl/

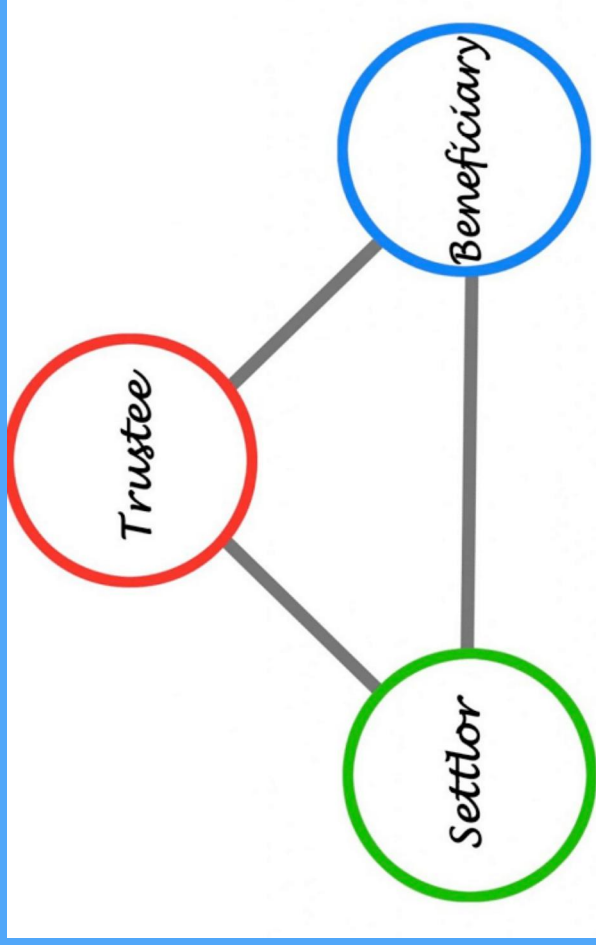
/'sɜː.tən.ti/

must

1. settlor

2. trustee

3. beneficiary



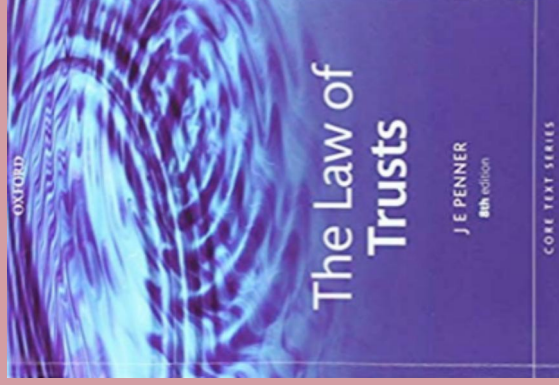
- ◆ **entitle:** I am **entitled** to your favours. || Students are **entitled** to discount. /ɪn'taɪ.tel/- /'dis.kɑʊnt/
- ◆ **entitlement:** pension **entitlement** || leave **entitlement** /ɪn'taɪ.tel.mənt/ These (this) documents prove his **entitlements** to benefit.
- ◆ **bring an action:** I want to **bring an action** against you.

**use n.** [possibly from Latin: *opus*, benefit] Formerly, a right, recognized only in Chancery, of a beneficiary (the *cestui que use*) against the legal owner of land. The medieval common law recognized only legal rights, which were often restricted in nature, but the Chancery protected those to whose use or benefit land was given, although they were not the legal owners. If A held property to the use of B, A was the legal owner (**feoffee to uses**) and B was the beneficiary (*cestui que use*). Uses gave flexibility and helped the evasion of feudal incidents (the medieval equivalent of tax liability). In 1535 the Statute of Uses executed the use, i.e., converted the rights of a *cestui que use* to legal rights, but the statute proved ineffective (*see USE UPON A USE*); it was repealed and uses were abolished in 1925.

## آیا فرهنگ وژگان حقوقی، پاسخگوی همه فروعات مفاهیم است؟!

### مثال:

- آیا امکان تبدیل موضوع تراسٲ وجود دارد؟
- آیا تراسٲ قرارداد است؟
- آیا تراسٲ در هر نوع مالی ممکن است؟
- آیا مالک می تواند مال مورد تراسٲ را برگرداند؟
- ... و



- ◆ **وقف:** حقوق اسلامی — **تراست:** انصاف در کامن لا
- ◆ **وقف:** عقد؛ قرارداد — **تراست:** ایقاع است؛ تراسٲی در پذیرش یا رد سمت نقش دارد نه ایجاد تراسٲ. ایضا ذی نفع (اختلاف!)
- ◆ **وقف:** عین قابل بقا — **تراست:** هر نوع مال و حقوق عینی و دینی
- ◆ **وقف:** بعد معنوی و خیریه — **تراست:** عام، از جمله تصفیه بدهی ورشکسته
- ◆ **وقف:** مال موقوفه دارای شخصیت حقوقی مستقل — **تراست:** مال تراسٲی فاقد شخصیت حقوقی مستقل
- ◆ **وقف:** مال موقوفه فاقد مالک است — **تراست:** تراسٲی (متولی)، مالک قانونی (اسمی) مال است اما مالکیت محدود
- ◆ **وقف:** اصل عدم امکان تبدیل مال موقوفه — **تراست:** امکان تبدیل مال مورد تراسٲ << حتی از وظایف اوست
- ◆ **وقف:** در وقف بر مصالح عامه، خود واقف می تواند منتفع باشد — **تراست:** در هر حال مالک می تواند منتفع باشد
- ◆ **وقف:** موبد است — **تراست:** عام (موبد یا موقت)؛ خاص (موقت) << تقسیم بندی دیگر: صریح و ضمنی و ...
- ◆ **وقف:** عام یا خاص — **تراست:** عام (عام المنفعه ولو ذی نفعان معین باشند) یا خاص + تقسیمات دیگر
- ◆ **وقف:** به قبض دادن مال به تراسٲی یا ذی نفع یا متولی (عقد تشریفاتی) — **تراست:** فاقد تشریفات؛ ایقاع است
- ◆ **وقف:** مالک نمی تواند ذی نفع منحصر باشد — **تراست:** مالک می تواند ذی نفع منحصر باشد.
- ◆ **وقف:** متولی مستحق اجرت است — **تراست:** تراسٲی فاقد اجرت است (حالت خیر خواهانه) مگر تعیین شود
- ◆ **وقف:** متولی وقف تقریباً غیر قابل تغییر است مگر موارد خاص — **تراست:** تراسٲی می تواند استعفا دهد یا عزل شود.
- ◆ **وقف:** امکان پس گرفتن موقوفه نیست — **تراست:** مالک می تواند تراسٲ را پس بگیرد.
- ◆ **وقف:** معلوم بودن مورد معامله به اجمال — **تراست:** معلوم بودن مورد معامله به تفصیل

- ◆ **وقف:** واقف، موقوف علیه/هم، متولی وقف — **تراست:** مالک (مصالح)، تراسٲی، ذی نفع
- ◆ **وقف:** منافع مال از آن موقوف علیه/هم — **تراست:** منافع مال از آن ذی نفع



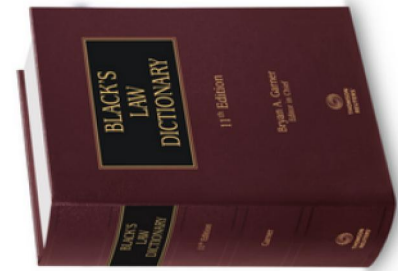
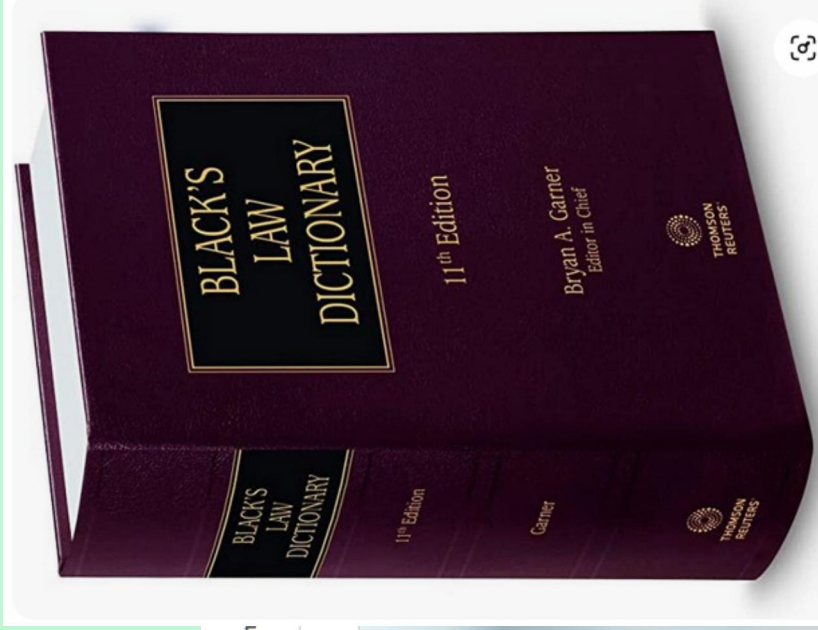
# Henry Campbell Black

Publication date	
1891	(1st)
1910	(2nd)
1933	(3rd)
1951	(4th)
1968	(4thR)
1979	(5th)
1990	(6th)
1999	(7th)
2004	(8th)
2009	(9th)
2014	(10th)
2019	(11th)

LAW BOOKS

## Black's Law Dictionary

The most widely cited law book in the world, the new 11th edition of Black's Law Dictionary is a must-have for legal bookshelves



### Black's Law Dictionary, 11th edition

Free online dictionaries use Black's Law Dictionary, 2nd edition, copyright 1910. If you're using a free online service or an older edition, it's time to update your version of this iconic title.

If you think a dictionary is useful mainly as a doorstop, you haven't browsed the pages of this 11th edition. Once you do, you'll find it hard to put down. Within moments, you'll probably find something you want to cite.

For nearly 130 years, Black's Law Dictionary has been the gold standard for the language of law. Today, it's the most widely cited law book in the world. By Editor in Chief Bryan A. Garner, the world's leading legal lexicographer, the 11th edition is the most authoritative, comprehensive law dictionary

آیا Trust، وقف است؟

معادل داخلی برای نهاد  
«تراست» چیست؟!

# BLACK'S LAW DICTIONARY

Definitions of the Terms and Phrases of  
American and English Jurisprudence,  
Ancient and Modern

By

HENRY CAMPBELL BLACK, M. A.

Author of Treatises on Judgments, Tax Titles, Intoxicating Liquors,  
Bankruptcy, Mortgages, Constitutional Law, Interpretation  
of Laws, Rescission and Cancellation of Contracts, Etc.

REVISED FOURTH EDITION

BY

THE PUBLISHER'S EDITORIAL STAFF

## TRUST.

### 1. In General

A right of property, real or personal, held by one party for the benefit of another. See *Goodwin v. McMinn*, 193 Pa. 646, 44 A. 1094, 74 Am.St. Rep. 703; *Boyce v. Mosely*, 102 S.C. 361, 86 S.E. 771, 773; *King v. Richardson*, C.C.A.N.C., 136 F.2d 849, 856, 857. A confidence reposed in one person, who is termed trustee, for the benefit of another, who is called the cestui que trust, respecting property which is held by the trustee for the benefit of the cestui que trust. *State ex rel. Wirt v. Superior Court for Spokane County*, 10 Wash.2d 362, 116 P.2d 752, 755. Any arrangement whereby property is transferred with intention that it be administered by trustee for another's benefit. *Raffo v. Foltz*, 106 Cal.App. 51, 288 P. 884, 886.

1680

A fiduciary relation with respect to property, subjecting person by whom the property is held to equitable duties to deal with the property for the benefit of another person which arises as the result of a manifestation of an intention to create it. *Goodenough v. Union Guardian Trust Co.*, 267 N.W. 772, 773, 774, 275 Mich. 698. An obligation on a person arising out of confidence reposed in him to apply property faithfully and according to such confidence; as being in nature of deposition by which proprietor transfers to another property of subject intrusted, not that it should remain with him, but that it should be applied to certain uses for the behoof of third party. *MacKenzie v. Union Guardian Trust Co.*, 262 Mich. 563, 247 N.W. 914, 919; *Gurnett v. Mutual Life Ins. Co. of New York*, 356 Ill. 612, 191 N.E. 250, 252.